

بررسی شیوه تفسیری مجاهد بن جبیر و سعید بن جبیر

فضل الرحمن حکیمی^۱

چکیده

مجاهد و سعید اولین کسانی از تابعین بودند که به تفسیر قرآن به روش‌های خاصی پرداختند. در علوم قرآن، دانستن روش تفسیر مفسران، به‌خصوص مفسران تابعی، از لحاظ تاریخی برای ما اهمیت زیادی دارد. فرضیه تحقیق این بوده است که مجاهد بین جبیر و سعید بین جبیر، در تفسیر آیات قرآن کریم از روش‌های خاصی استفاده کرده‌اند. این تحقیق که با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده، به نتایج ذیل دست‌یافته است: مجاهد و سعید هر دو از مفسران برجسته و نخستین کسان در علم تفسیر بوده‌اند؛ هر دو مفسر از روش‌های چهارگانه تفسیر، یعنی تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر قرآن با سنت، تفسیر عقلی و تفسیر ادبی، استفاده کرده‌اند؛ این دو مفسر در استفاده از روش‌های چهارگانه یادشده ضمن این که مشترکاتی دارند، در مواردی در روش ایشان تفاوت‌های نیز مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، روش مجاهد در تفسیر، روش سعید در تفسیر، تأویل، تفسیر روایی، تفسیر عقلی، تفسیر قرآن با قرآن.

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن

مقدمه

تابعین کرام از جمله نخستین مفسرانی به شمار می‌روند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را ندیده بودند؛ اما قرآن کریم را برای مردم زمانشان تفسیر می‌کردند. تابعین شاگردان صحابه‌اند و معلومات آنان غالباً به صحابه منتهی می‌شود. از جمله معروف‌ترین تابعان که در این مقاله مورد بحث ما است دو تابعی جلیل القدر، اسلام سعید بن جبیر و مجاهد بن جبیر هستند که به تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند.

در زمینه علوم تفسیر کتب زیادی نوشته شده است و در لابه‌لای این آثار روش‌های تفسیری و تاریخچه تفسیر از زمان نزول تا عصر تابعین اشاراتی صورت گرفته است؛ اما آنچه شایان ذکر است اینکه کتاب یا رساله مستقل پیرامون روش تفسیری این دو مفسر گرانسنگ صورت نگرفته است؛ به جز این جزوهای مختصر در باره امام مجاهد و مقالات و پراکنده پیرامون شخصیت امام مجاهد و امام سعید به نگارش درآمده است که نمی‌تواند حق موضوع را ادا کند. بنابراین، ضرورت دارد تا روش تفسیری این دو مفسر پیشگام بحث و بررسی بیشتر صورت گیرد تا از ویژگی‌ها و امتیازات شیوه‌های تفسیری ایشان بهتر استفاده گردد.

پرسش‌های که در این نوشتار سعی گردیده به آن‌ها پاسخ داده شود، عبارتند از این که نیاز به تفسیر قرآن کریم چگونه به وجود آمد؟ مجاهد بن جبیر در تفسیر قرآن کریم از کدام شیوه‌ها استفاده کرده است؟ سعید بن جبیر از کدام روش‌ها در تفسیر قرآن بهره گرفته است؟

۱. مفهوم‌شناسی

نخست به تعریف و توضیح مفاهیم اساسی تحقیق می‌پردازیم:

۱-۱. روش

روش در لغت به معنای سبک، شیوه، طریقه و رفتن آمده است (رضایی، ۱۳۹۱، ۲۲). در اصطلاح، روش عبارت است از استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد (زنجانی، ۱۳۷۹، ۲۸۸).

۱-۲. تفسیر

تفسیر، به معنای کشف کردن، روشن کردن مطلب، بیان کردن شرح دادن و توضیح دادن است

(افرام، ۱۳۷۷، ۶۶۴). تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از بیان کردن معنای آیه‌ها، روشن کردن و پرده‌برداری از اهداف و مفاهیم آیه‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱، ۴). همچنین، تفسیر را به کشف و پرده‌برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن‌ها تعبیر کرده‌اند. به عبارت دیگر، مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعملی آیات قرآن و آشکار کردن مقصد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است (سیوطی، ۱۳۹۲، ۲، ۱۹۲).

۱-۳. تأویل

واژه تأویل به معنی بازگرداندن، تفسیر کردن، بیان کردن، شرح و بیان کلمه یا کلام به طوری که غیر از ظاهر آن باشد، تعبیر نیز گویند و جمع آن تأویلات است (معین، ۱۳۸۳، ۱، ۲۰۴). امام ابن تیمیه^(۳) در کتاب «الاکلیل فی المتشابه والتأویل» می‌گوید: از دیدگاه علمای متقدمین «تأویل» دو معنی دارد:

۱. تفسیر کلام و بیان معنی آن، چه موافق ظاهرش باشد چه مخالف و به نظر این گروه «تفسیر و تأویل» مترادف هستند.

۲. بعضی از علمای متقدمین می‌گویند: «تأویل» حقیقت کلام است، پس اگر کلام، طلبی (امر، نهی) باشد، تأویل آن امثال مطلوب است و اگر جمله خبری باشد، تأویلش حقیقت خبر است (ابن تیمیه، ۱۴۱۴، ۲۵).

۲. اهمیت و ضرورت تفسیر

۲-۱. اهمیت تفسیر

اهمیت تفسیر آیات قرآن کریم را می‌توان در نکات ذیل خلاصه کرد:

الف) بنابر امر حق تعالی باید در کتاب خداوند تدبر کرد و مرادش را فهمید و حکم از آن استنباط نمود. تفسیر همه قرآن از معصوم نرسیده است و از طرفی، احتیاجات و حوادث زندگی مدام در حال افزایش است؛ بنابراین، یا باید توقف کرد و قائل به تعطیل در احکام شد که این امر غیر ممکن است و یا باید در قرآن اجتهاد کرد و حوادث و احتیاجات را از قرآن یافت.

ب) اگر تعلم و تدبر در کتاب خدا جایز نبود و اجتهاد و رأی در آن مطلقاً حرام بود می‌بایست

رسول اکرم و ائمه طاهرين تمامی آیات را تفسیر کنند تا دیگر محتاج به اعمال نظر و فکر در آن نباشیم. آنچه مسلم است این که آیاتی که عقول بشر در آن راه ندارد، معصومین تفسیر آن‌ها را بیان فرموده‌اند اما بسیاری را از آیات واگذار به عقل و اجتهاد علمای امت مرحومه و راسخین در علم نموده‌اند، پس بنابراین لازم نیست که تفسیر تمام آیات و کلمات قرآن از رسول و ائمه طاهرين مأثور باشد.

ج) اینکه اصحاب رسول(ص) اولی به احتیاط بودند از غیرشان و حال اینکه قرآن را تفسیر می‌کردند و بیشتر تفسیرها از آنان به ما رسیده است.

و اما رأی و اجتهاد در قرآن که جاری بر لغت عرب و ادله شرعیه از کتاب و سنت نباشد بدون شک آن رأی مذموم و آن اجتهاد غلط است چون افترای به خدای متعال می‌باشد و این قسم از رأی از طرف شارع منع اکید شده است (سنگلجی، ۱۳۹۴، ۵۴).

ابن مردویه از طریق جویری از ضحاک از ابن عباس مرفوعاً آورده است که درباره «یؤتی الحکمة» (بقره، ۲۶۹) فرمود: یعنی قرآن، ابن عباس گفت: منظور تفسیر آن است که قرآن را نیک و بد همه می‌خوانند.

علما اجماع کرده‌اند که تفسیر از واجبات کفایی و برترین علوم سه‌گانه است.

سیوطی در این زمینه می‌نویسد: «ارزنده‌ترین فنی که انسان بیاموزد تفسیر قرآن است، فن تفسیر از سه جهت برتری یافته است؛ از جهت موضوع: چون که موضوع آن کلام خداوند است که سرچشمه تمام حکمت‌ها و کان هر فضیلت است، ... و اما از جهت غرض و هدف از آن: پس منظور چنگ زدن به استوارترین گیره‌ها که فانی نمی‌شود و اما شدت نیاز به آن: چون که هر کمال دینی یا دنیوی دور یا نزدیک به علوم شرعی نیاز دارد و به معارف دینی محتاج است و آن‌ها هم بر کتاب خداوند تعالی متوقف می‌باشد (سیوطی، ۱۳۹۲، ۱، ۱۱۷).

۲-۲. نیاز به تفسیر قرآن کریم

امام سیوطی در کتاب الاقتان فی علوم قرآن می‌نویسد: روشن و معلوم است که خداوند به آنچه می‌فهمند بندگانش را مخاطب قرار داده است؛ لذا هر پیامبری را به زبان قومش فرستاد و کتابش را بر لغت آن‌ها نازل ساخت، قرآن به زبان عربی در زمان فصیح‌ترین عرب نازل شد و آن‌ها طواهر و احکام قرآن را می‌دانستند و اما باطن‌های دقیق آن پس از بحث و نظر برایشان روشن می‌شد و در

بیشتر آن‌ها از پیغمبر اکرم سؤال می‌کردند، چنان که وقتی آیه کریمه: «وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (انعام، ۸۲) نازل گشت گفتند: کدام یک از ما بر خودش ظلم نکرده! پس پیغمبر آن را تفسیر فرمود؛ و بر آن استدلال کرد به فرموده خداوند: «إِنَّ الشَّرَّكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳). و مانند سؤال عایشه صدیقه از حساب پسر که فرمود: «همان عرضه کردن است» و مانند قصه عدی بن حاتم در مورد خیط ابیض و خیط اسود و غیر این‌ها... بنابراین ما از همه آن‌ها به تفسیر نیازمندتریم و معلوم است که تفسیر قسمتی از آن از قبیل بسط و توضیح الفاظ موجز و کشف معانی آن‌هاست و بخشی دیگر از قبیل ترجیح بعضی از احتمالات بر بعض دیگر است (سیوطی، ۱۳۹۲، ۲، ۱۷۱).

۳. تاریخچه تفسیر قرآن کریم

روش تفسیر روایی قرآن، یکی از از کهن‌ترین و رایج‌ترین روش‌های تفسیری است. این شیوه تفسیری، یکی از اقسام تفسیر «مأثور» و «تفسیر نقلی» است. تفسیر روایی جایگاه ویژه‌ای در بین روش‌های تفسیری داشته و همواره مورد توجه مفسران بوده است. در بستر تاریخ، گاهی گرایش افراطی به آن پیدا شده است؛ طوریکه که برخی مفسران، تنها از این روش پیروی کرده و روش‌های دیگر را نفی کرده‌اند. البته در این روش تفسیری، گرایش‌های مخالف و معتدل نیز وجود داشته است.

مرور پیشینه و تاریخچه پیشرفت فن تفسیر به صورت تحلیلی، باعث پی بردن به منشأ روش‌های ذکر شده در تفسیر قرآن است. پیشینه تفسیر به صدر اسلام بر می‌گردد. اولین مفسر قرآن، خود خداوند است. خداوند بسیاری از آیات را تفسیر کرده است. گاهی در کنار آیه و گاهی نیز در سوره دیگری توضیح داده شده است. چنانچه الله متعال فرموده است: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ. (بقره ۱۸۹) «در باره «هلال‌های ماه» از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: «آن‌ها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است».

دومین مفسر قرآن، رسول الله (ص) است. پیامبر، به دستور خداوند، مطالب مربوط به قرآن را به مردم تعلیم می‌دادند. قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل ۴۴). «و ما این ذکر [=قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی».

این جریان توسط مفسرین نسل اول و دوم اسلام، یعنی صحابه و تابعین (قرن ۱ و ۲ هجری) دنبال شده و صحابی‌ان با رجوع به پیامبر، تفسیر قرآن را می‌آموختند. گاهی پای سخنان او می‌نشستند و معانی و تفسیر قرآن را فرا می‌گرفتند. گاهی اصحاب پیامبر^(ص) از ایشان مطالب را می‌پرسیدند و حتی دوست داشتند که عرب‌های بیابانی بیایند و پرسشی بکنند و آنان گوش دهند. گاهی هم عمل پیامبر^(ص) را مفسر آیات قرآن قرار می‌دادند. بنابراین می‌توان گفت که پیامبر^(ص) از سه شیوه تفسیری و توضیح آیات (تفسیر گفتاری، تفسیر عملی و تفسیر تصویری) استفاده می‌کرد (رضایی، ۱۳۸۸، ۹۳).

شیوه تفسیر روایی، در عصر امامان نیز ادامه داشت، علی (کرم الله وجهه) در تفسیر شاگرد ارشد پیامبر اکرم بود، سخنان و توضیحات آن را شنیده و حکایت می‌کرد. امامان اهل بیت نیز، همین روش را دنبال کرده، احادیث تفسیری پیامبر^(ص) و علی (کرم الله وجهه) را برای مردم نقل نموده و بدان‌ها استدلال می‌کردند. تعداد این احادیث که با واسطه اهل بیت^(ع) نقل شده به هزاران روایت می‌رسد. دکتور ذهبی با بیان مثالی از ابن عباس، بیان می‌کند که صحابه و اهل بیت پیامبر^(ص) از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می‌کردند. (ذهبی، بی تا، ۱، ۴۱).

به‌طور مسلم در عصر صحابه به دلیل عدم شکل‌گیری منسجم زمینه‌ها، ضوابط علمی، کلامی، فلسفی و عرفانی، قرآن مجید بر اساس این زمینه‌ها تفسیر نمی‌گشت، رفته رفته در سایه فتوحات اسلامی، اسلام در جهان منتشر گشت و صحابه رسول خدا^(ص) در شهرهای مختلف کشورهای اسلامی پراکنده گشتند و در نتیجه اختلاف نظرات، فتواهای مختلف شیوع پیدا کرد و مراجعه مردم به بزرگان روزمره شد. لذا در این زمان بود که گروهی از تابعین که صحابه و یاران پیامبر را درک کرده بودند، به تفسیر قرآن پرداختند.

در این دوره که از اواخر قرن اول آغاز شد، احادیث تفسیری از کل احادیث منفصل و مستقل گردید و در ابواب خاصی تدوین شد. تابعین علاوه بر مطالبی که در تفسیر قرآن از صحابه فرا می‌گرفتند تدریجاً به اظهار نظر و اجتهاد در آن می‌پرداختند. تابعین نخستین مفسرانی به شمار می‌روند که پیامبر خدا^(ص) را ندیده بودند؛ اما قرآن کریم را برای مردم زمان‌شان تفسیر می‌کردند. تابعین شاگردان صحابه‌اند و معلومات آنان غالباً به صحابه منتهی می‌شود.

اکنون در ادامه بحث روش تفسیری دو تابعی بزرگوار را مورد بحث قرار می‌دهیم که در نخست

به روش تفسیری امام سعید و ثانیاً روش امام مجاهد را مورد بحث قرار می‌دهیم:

۴. سعید بن جبیر و روش تفسیری آن

یکی از شخصیت‌های نامی دوران صدر اسلام که از تابعین به شمار می‌رود، سعید بن جبیر است که نخست به معرفی وی می‌پردازیم:

۴-۱. معرفی سعید بن جبیر

نام کامل او سعید بن جبیر بن هشام کوفی معروف به ابو محمد و یا ابو عبد الله، از خاندان‌های معروف کوفه بود (طوسی، ۱۴۱۴، ۱، ۳۳۲). زادگاه وی شهرکوفه است که در سال (۴۵ هـ ق) در آن جا چشم به دنیا گشود. دوران طفولیت و جوانی را همان جا گذراند. بعدها به مدینه رفت و جزو شاگردان صحابه کرام گردید. وی در واقع اصالتی حبشی داشت و دارای چهره سیاهی بود. معروف‌ترین کنیه‌های وی ابو عبدالله و ابو محمد است و بیشتر مورخین کنیه او را ابو عبدالله گفته‌اند (زركلی، ۱۹۸۹، ۳، ۹۳).

سعید بن جبیر در دیانت و فقهت معروف بود و در تفسیر قرآن شهرت به‌سزای داشت؛ زیرا او را از شاگردان مدرسه تفسیری عبدالله بن عباس دانسته‌اند. در مورد زهد و پرهیزگاری سعید در منابع معتبر سخنانی آمده است. برخی نویسندگان به سعید لقب فقیه البکاء را داده‌اند. قاسم بن ایوب نقل می‌کند که: سعید آن قدر گریه می‌کرد که از حال می‌رفت و ضعف می‌کرد (اصبهانی، ۱۴۰۷، ۲۷۲، ۴).

سعید بن جبیر در همان کودکی که استعداد و توانایی‌های علمی او برای پدرش هویدا شد، جبیر او را به مدینه فرستاد تا از محضر بزرگان و صحابه رسول گرامی اسلام بهره‌بردارد. نخستین و مهم‌ترین استاد او عبدالله بن عباس بوده است و سعید در محضر این صحابی گرانقدر به فراگیری قرآن، تفسیر، حدیث و دیگر علوم اسلامی پرداخت. علاوه بر ابن عباس، سعید از فیوضات اساتید دیگر؛ مانند علی (کرم الله وجهه)، ابومسعود بدری، ابن عمر، ابوموسی اشعری، عبدالله بن مغفل، عدی بن حاتم، ابوهریره، ابوسعید خدری، عدی بن حاتم^(رض) بهره‌برده است. المزی در کتابش، نام عبدالله بن قیس و عبدالله بن زبیر را نیز جزء اساتید او ذکر می‌کند (المزی، ۱۴۱۴، ۱۴۲، ۷).

سعید بن جبیر همان‌گونه که خود شیفته درس و بحث بود، نسبت به آموزش دانش به شاگردان خویش، توجه ویژه داشت. شاگردان سعید را که صاحب تاریخ الاسلام نقل کرده قرار ذیل اند:

جعفر ابن المغیره، جعفر ابن ابی وحشیه، ایوب السختیانی، الاعمش، عطاء بن سائب، حکم بن عتیبه، حصین بن عبد الرحمن، خصیف الجزری، سلمه بن کهیل، عبدالله و عبد الملک پسران سلمه بن کهیل، قاسم بن ابی بزه، محمد بن سوقه، مسلم البطین، عمر بن دینار و... (ذهبی، بی تا، ۶، ۳۶۷).

۴-۲. تفسیر سعید بن جبیر

به باور برخی پژوهشگران نخستین تدوین‌کننده تفسیر سعید بن جبیر است. برخی دیگر، ابن عباس و بعضی مجاهد بن جبیر را نخستین تدوین‌کننده تفسیر می‌دانند. جرجی زیدان می‌نویسد که امام مجاهد در تدوین تفسیر از همه سبقت گرفته اما ابن ندیم در اثر خویش الفهرست نخستین مدون تفسیر سعید بن جبیر را دانسته که قریب ده سال زودتر از امام مجاهد در گذشته است. بنابراین، سعید بن جبیر نه تنها از نظر زمانی بر مجاهد مقدم بوده، بلکه کتابش برخلاف رأی جرجی زیدان حاکی از آن است که در سده اول هجری تفسیری مدونی وجود داشته است؛ مضافاً بر اینکه قتاده او را داناترین تابعین در تفسیر معرفی کرده است (زرقانی، ۱۴۱۵، ۱، ۴۸۸). مفسران از وی با تجلیل خاصی یاد کرده‌اند به صورتی که وی را در میان مفسران دوره تابعین، برجسته و ممتاز می‌سازد.

از این رو تفسیر سعید بن جبیر را باید نخستین تصنیف در تفسیر دانست. چنانکه علامه سید حسن صدر پس از تحقیق و تتبع لازم کسی را نیافته است که قبل از سعید بن جبیر کتابی در تفسیر قرآن تدوین کرده باشد (صدر، ۱۳۸۲، ۳۲۲).

۴-۲-۱. ویژگی‌های تفسیر سعید

سعید در تفسیرش به اصول خاصی پایبند و مقید است که فصل ممیزی تفسیر وی از سایر تفاسیر می‌باشد:

الف) سادگی و وضوح

با اندک بررسی و پژوهش در آراء و اندیشه‌های تفسیری سعید بن جبیر می‌توان دریافت که وی

تفسیری ساده و به دور از مناقشات لفظی و مجادلات کلامی و ... به دست داده است گو اینکه شاید این گونه تفسیر بیشتر از هر چیزی معلول شرایط فرهنگی زمان باشد؛ ولی بهر حال تفسیر سعید، تفسیری است روان، ساده، همه کس فهم و به دور از وجوه قرائت‌ها، مناقشات لفظی، خلاف‌های نحوی، مجادلات کلامی و نکات بلاغی؛ بدین سان سعید نوعاً در تفسیرش به معنی لغوی مفردات آیات پرداخته و احیاناً در بعضی آیات نیز با بیان جملات معترضه‌ای ابهامات احتمالی موجود در بعضی آیات را بر طرف نموده است.

ب) واژه‌گزینی و معادل‌یابی در تفسیر سعید

با اندکی تأمل در تفسیر سعید به جمله‌ها و کلماتی در قرآن بر می‌خوریم که با وجود اینکه در مواضع و مواطن گوناگون قرار گرفتند، اما وی در تفسیرش معادل واحدی اتخاذ نموده است. این روش تفسیر باعث شد تا رفته رفته اکثر معادل تفسیری سعید برای واژه‌های قرآنی آن معروف گردد. بطوریکه می‌توان گفت که سعید دارای یک «قاموس» یا «فرهنگ‌نامه قرآنی» است.

ج) اهتمام به ذکر «اسباب نزول»

یکی از منابع بسیار مهم در شناخت دلالات آیات قرآنی، روایات «اسباب نزول» می‌باشد، سعید نیز به همین خاطر در تفسیرش عنایت و توجه ویژه‌ای به نقل روایات «اسباب نزول» داشته و شاید بتوان از این روایات، به عنوان مهم‌ترین منبع تفسیری در تفسیرش نام برد (ترندک، ۱۳۷۸، ۶۱).

۴-۲-۲. مصادر و منابع تفسیری سعید

سعید بن جبیر در تفسیر خویش از منابع و مصادر متعددی بهره جسته است که در ذیل به بحث و بررسی آن می‌پردازیم:

الف) قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان اولین منبع تفسیری از صدر اسلام تا کنون مورد استفاده مفسرین قرار گرفته است و بالاتفاق اذعان دارند که بهترین تفسیری قرآن، تفسیری است که از خود قرآن استفاده شود. سعید بن جبیر نیز از این دسته مفسرین مستثنی نبوده و به همین دلیل در میان آراء و روایات تفسیری او به آیات فراوانی بر می‌خوریم که از آن‌ها برای توضیح و تفسیر آیات دیگر کمک گرفته شده است. به عنوان مثال در بیان تفسیر آیه مبارکه: «و ذروا ظاهراً الاثم و باطنه» (انعام، ۲۰) می‌گوید:

«الظاهر» منه: «و لاتتکحوا ما نکح آباءکم من النساء الا ماقد سلف» (نساء، ۲۲) و «حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم» (نساء، ۲۳) و «الباطن» الزنا.

ب) احادیث نبوی

اگر چه سعید جزو تابعین است و تبعاً توفیق حضور در عصر پیامبر را نداشته است؛ اما در میان آراء تفسیرش به روایات از رسول اکرم (ص) بر می‌خوریم که از آن‌ها برای تفسیر آیات و تثبیت آراءش استمداد جسته است. به عنوان مثال وی در تفسیر واژه قرآنی «سائحون» را بمعنی «صائمون» دانسته و به همین منظور استناد می‌کند به روایتی از رسول اکرم (ص) که فرمودند: «سیاحه امتی الصوم» (ابن ابی جمهور، بی تا، ۱۵۰، ۲) «سیاحت امت من روزه است».

ج) اقوال صحابه و کبار تابعین

هنگام رجوع به آرای تفسیری سعید به گنجینه‌ای از روایات مأثور از صحابه و تابعین بر می‌خوریم که سعید در تفسیرش بدان‌ها استشهاد کرده است که مشهورترین آن‌ها عبارتند از: ابوبکر صدیق، عمر فاروق، علی بن ابی طالب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمرو، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن قیس، عبدالله بن مغفل، عدی بن حاتم، ابوهریره، انس بن مالک، ضحاک بن قیس، عمرو بن میمون، ابوسعید الخدری، ابوعبدالرحمن، ابومسعود الانصاری.

د) اخبار اهل کتاب

در تفسیر ایشان از روایاتی از اخبار اهل کتاب بر می‌خوریم که به نظر می‌رسد علت استفاده سعید از آن اخبار در تفسیر قرآن بوده که قرآن، مانند تورات، بسیاری از قضایا و تاریخ انبیاء و امت‌های پیشین را نقل کرده است و از آنجایی که کمتر به جزئیات می‌پردازد، لذا بسیاری از مفسرین جهت تکمیل معلومات خود در زمینه حوادث تاریخی ذکر شده در قرآن کریم، به اهل کتاب و آنان که تازه به اسلام گرویده بودند مانند «عبدالله بن سلام» و «کعب الاحبار» مراجعه می‌کردند.

ه) اجتهاد و استنباط

با اینکه روش سعید در تفسیرش «روایی» بوده و در این روش، قرآن کریم بر پایه خود قرآن و یا سنت و یا کلام صحابه تفسیر می‌گردد؛ اما با این وجود، در میان تفسیر سعید روایاتی مشاهده می‌گردد که حاکی از اجتهادات و استنباطات سعید در تفسیر می‌باشد. بارزترین مثال آن تفسیر

و برداشت او از «حروف مقطعه» قرآن است که در جای خود به طور مفصل بحث شده است. به عنوان مثال در تفسیر آیه مبارکه «طه» می گوید: «انه بالنبطیه» یا رجل (ترندک، ۱۳۷۸، ۶۱).

۴-۲-۳. نسخه های تفسیر سعید بن جبیر

امام ذهبی می نویسد: عبدالملک بن مروان از سعید بن جبیر در خواست کرد که برای او تفسیر قرآن بنویسد و سعید بن جبیر آن را نگاشت و عطاء بن دینار این کتاب را در دیوان یافت و چون ایشان (سعید بن جبیر) را ندیده بود، آن را به طور مرسل از وی روایت کرده است. این روایت صراحت دارد که سعید بن جبیر کتابی در تفسیر قرآن نگاشته و بدون تردید تفسیر او پیش از مرگ عبدالملک بن مروان (متوفای ۸۶ ق) بوده است (معرفت، ۱۳۹۱، ۱، ۱۴۴).

چنانکه مؤلف کتاب فروغ جاویدان می نویسد: هنگامی که «عبدالملک بن مروان» در سال ۶۵ هجری بر تخت سلطنت نشست، به علما فرمان داد تا در هر رشته ای کتاب هایی تصنیف کنند، «سعید بن جبیر» که از همه عالم تر بود، موظف به نوشتن تفسیر قرآن شد و تفسیری نوشت که در کتابخانه سلطنتی نگهداری می شده، تفسیری که به نام «عطاء بن دینار» معروف است همان تفسیر است و از کتابخانه سلطنتی به دستش رسیده بود (نعمانی، بی تا، ۴۶).

قرآن پژوه معاصر، سید محمد باقر حجتی، در جمع بندی دیدگاه ها در این باره می نویسد: با توجه به اینکه سعید بن جبیر نزد دانشمندان اهل سنت و شیعه، اعلم تابعین بوده است و روایتی نیز در تفسیر کامل او وجود دارد، حدس و ظن قوی بر این است که ایشان نخستین مؤلف و مدون تفسیر قرآن کریم باشد. اما تا به حال به تفسیر سعید دسترسی پیدا نکرده ایم و هیچ اثر مکتوبی در تفسیر از سعید بن جبیر در دست نیست (حجتی، ۱۳۶۰، ۷۵).

۴-۳. روش تفسیری سعید بن جبیر

در این بخش به بررسی پیرامون روش های تفسیری سعید بن جبیر می پردازیم و هر یک از روش ها را با ذکر مصادیق آن ذکر می کنیم:

۵-۳-۱. تفسیر قرآن به قرآن با ذکر مصادیق

بی تردید، متقن ترین منبع برای تبیین و تفسیر قرآن، خود قرآن است؛ زیرا برخی آیات آن، یکدیگر را تبیین می کنند و آیات آن گواه صدق یکدیگرند. آنچه در ضمن پاره ای از آیات، مبهم ذکر شده

است، در جای دیگری از قرآن آشکار و مفصل آمده است و حق هم همین است؛ زیرا قرآنی که تبیان همه مبهمات شریعت است، به طریق اولی تبیان خودش نیز خواهد بود و به همین جهت است که جمله «القرآن یفسر بعضه بعضاً» در زبان مفسران شهرت یافته است. این چنین سعید بن جبیر اکثر آیات قرآن را به سبب و کمک دیگر آیات از قرآن کشف و توضیح و تفسیر نموده است که راه تفسیر را به دیگران هموار و آسان ساخته است.

از سعید در تفسیر آیه: «فاذکرونی اذکرکم» (بقره، ۱۵۲) نقل شده که گفته است: «خداوند فرموده است: به اطاعت کردن مرا یاد کنید تا به رحمت خود شما را یاد نمایم» و به قول خدای سبحان: «واطیعوا الله والرسول لعلکم ترحمون» (آل عمران، ۱۳۲) استشهاد کرده است (طبرسی، ۱۴۰۶، ۱، ۲۳۴). در این جا امام سعید مصداق ذکر خدا نسبت به انسان و ذکر انسان نسبت به خدا را با استشهاد به آیه دیگری از قرآن بیان کرده است که نوعی تفسیر قرآن به قرآن است.

چنانچه در ذیل آیه: «وَلَا تَتَكَبَّوْا الْمُسْرِكَاتِ حَتَّىٰ يَوْمِنَ» (بقره ۲۲۱) از وی نقل شده که لفظ آیه عمومیت دارد و هر زن کافری را شامل می‌شود. اما مراد خصوصی زن‌های (غیر) کتابی است و مخصوص آن آیه: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» (مائده، ۵) است، پس آن عموم شامل زن‌های کتابی نمی‌شود (طبرسی ۱۴۰۶، ۱، ۳۱۸).

همچنان در تفسیر آیه شریفه: «عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرُهُ» (بقره ۲۳۶) «آن کس که توانایی (مالی) دارد و آن کس که توانایی (مالی) ندارد، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (و مناسب حال دهنده و گیرنده) می‌پردازد».

سعید اشاره می‌کند به آیه مبارکه: «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲۴۱). «و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی است (که از طرف شوهر پرداخت می‌گردد و) این حقی است بر مردان پرهیزگار»

۵-۳-۲. تفسیر قرآن به سنت و ذکر مصادیق

روایات یکی از منابع مهم تفسیر قرآن است و حجیت آن از طریق حدیث متواتر به اثبات رسیده است. پس همان طور که پیامبر (ص) مبین اسلام و مفسر وحی بود، اصحاب پیامبر گرامی اسلام هم مفسر قرآن هستند. حال که آن‌ها به ظاهر در جامعه اسلامی حضور فیزیکی ندارند، مهم‌ترین وسیله برای دستیابی به نظرات آن‌ها همانا روایات اسلامی است. سعید از تفسیر قرآن به سنت

و روایات اسلامی استفاده فراوان نموده است و علت رویکرد فراوان «سعید» به احادیث نبوی را شاید بتوان در سخنی منقول از وی بیان کرد که بیانگر جایگاه علمی او نیز می‌باشد. او در باره احادیث نبوی می‌گوید: «ما بلغنی حدیث رسول الله «صلی الله علیه وسلم» علی وجهه الا وحدت مصداقه فی کتاب الله» (سیوطی، ۲۰۰۹، ۴، ۴۱۱)؛ یعنی هیچ حدیث پیامبر در مورد چیزی به من نرسیده مگر اینکه مصداق آن را در کتاب الله دریافتیم.

سعید در ذیل آیه: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (فرقان، ۶۸) «... و کسانی اند که با الله، معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند و پرستش نمی‌نمایند و انسانی را که خداوند خودش را حرام کرده است، به قتل نمی‌رسانند مگر به حق».

سعید، نفس را در این آیه با استناد به حدیث از پیامبر^(ص) تفسیر نموده است و می‌فرماید که مراد از نفس در این آیه نفس مؤمن است و این حدیث را نقل می‌کند: «إنما امرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا: لا اله إلا الله. فإذا قالوها حرمت دماؤهم إلا بحقها وحسابهم على الله. قالوا: يا نبي الله! وما حقها؟ قال: النفس بالنفس والثيب الزانية والمرتد عن الاسلام، والتارك لدينه بعد إيمانه المفارق للجماعة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۸، ۲۴۲).

در تفسیر واژه قرآنی «سائحون» را بمعنی «صائمون» دانسته و به همین منظور استناد می‌کند به روایتی از رسول اکرم^(ص) که فرمودند: «سباحة امتی، الصوم» (ابن ابی جمهور، بی‌تا، ۲، ۱۵۰). «سباحة امت من روزه است».

سعید نقل می‌کند، رسول اکرم^(ص) آیه مبارکه: «و شاهد و مشهود» را چنین تفسیر نموده است: «ان سید الايام يوم الجمعة و هو «الشاهد» و «المشهود» يوم عرفه»، «بهترین روزها روز جمعه است که (الشاهد) است و «المشهود» روز عرفه می‌باشد (ترندک، ۱۳۷۸، ۶۵).

۵-۳-۳. تفسیر ادبی و ذکر مصداق آن

سعید در تفسیر ادبی قرآن شاهکارهایی نموده است که یکی از آنها تحقیق ادبی وی در کلمات قرآن می‌باشد. چنانچه عدۀ کثیری از مفسرین کرام از وی نقل نموده است وی در تفسیر آیه «و مُهِمِّنَا عَلَيْهِ» گفته: به معنای «مؤتمناً علیه» است. در جای دیگر این سخن را به نقل از ابن عباس نیز روایت نموده است (ابن کثیر، بی‌تا، ۲، ۶۵).

ابو حصین، از سعید بن جبیر نقل می‌کند که آدم از این جهت آدم نامیده شده که از ادیم زمین

آفریده شده است و چون فراموشکار است، انسان ناامیده شده است (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۱، ۴۶). در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره ۲۶۱)، سعید بن جبیر «فی سبیل الله» را به اطاعت و فرمان برداری از فرامین الهی تفسیر نموده است (کنعان، بی تا، ۳۳۸).

همچنین، در باره این فرموده الله متعال «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا» (مائده، ۴۸)، سعید بن جبیر در تفسیر «مهیمناً» می‌فرماید: «قرآن امین و شاهد و مراقب کتب آسمانی قبلی است و آن‌ها را تصدیق می‌کند (ابن کثیر، بی تا، ۲، ۶۴).

«الجبیت»: ابن جریر از سعید بن جبیر آورده که گفت: «الساحر بلسان حبشه»، جبیت به زبان حبشه ساحر است. «کُورِت»: ابن جریر از سعید بن جبیر آورده که: کورت فارسی است. «یس»: ابن ابی حاتم از سعید بن جبیر آورده که گفت: «یس» به لغت حبشی یعنی: ای مرد. درباره فرموده خدای تعالی: {سَرِّيًا} از سعید بن جبیر روایت شده که نبطی است (سیوطی، ۱۳۹۲، ۱۴۱، ۲). سعید توجه به‌سزایی به طرح آسان و روان تفسیر داشته و در تفسیر اکثر آیات صرفاً به تفسیر ادبی آن بسنده کرده و در سایه این روش، کثیری از معانی و معادل‌های واژگان قرآنی پدید آمده است (ترندک، ۱۳۸۷، ۸۰).

۵-۳-۴. تفسیر عقلی و ذکر مصادیق آن

سعید در کنار استفاده از روش‌های دیگر به تفسیر عقلی آیات قرآن نیز تمسک جسته که در تفسیر آیات از عقل و دانش‌های دیگر نیز کار گرفته است. در ذیل به چند نمونه‌ای از این نوع تفسیر یاد آور می‌شویم: در ذیل آیه: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره، ۴۴)،

«ای بنی اسرائیل! آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید، حال آن که خود را فراموش می‌کنید؟»

سعید بن جبیر^(رض) می‌گوید: «اگر کار چنان بود که شخص به سبب این که خود را به تمام خوبی‌ها آراسته نمی‌دید، به معروف امر نمی‌کرد و از منکر نهی نمی‌نمود، دیگر نه کسی دیگری را به معروفی امر می‌کرد و نه از منکری نهی می‌نمود». بنابراین، صحیح این است که عالم باید به معروف امر کند؛ هر چند او خود آن را انجام نمی‌دهد و از منکر نهی نماید؛ هر چند او خود مرتکب آن می‌گردد (مخلص، ۱۳۹۰، ۱، ۶۱).

و نیز در مورد کلمه «الصاحب بالجنب» در آیه: «وَالْأُولَادِينَ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْأَجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْأَجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ» (نساء، ۳۶)، «و به پدر و مادر نیکی کنید و (نیز) به خویشاوندان و یتیمان و بی‌نویان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه».

در تفسیر «الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ» از سعید بن جبیر در روایتی به معنی رفیق صالح آمده است.

۵. روش تفسیری امام مجاهد بن جبیر

در این بخش به معرفی و روش تفسیری امام مجاهد بن جبیر بپردازیم:

۵-۱. زادگاه و نشأت امام مجاهد

مجاهد بن جبر یا جبیر شیخ القراء و المفسرين ابوالحجاج المکی الاسود، متولد ۲۱ هـ. ق. و متوفی ۱۰۳ هـ. ق. در حال سجده در مکه مکرمه وفات یافت و در الکامل فی التاریخ گفته شده که مجاهد در سنه صد و سه یا چهار یا صد و هفت و سن او هشتاد و سه سال بود، رحلت نمود (ابن اثیر، بی تا، ۱، ۳۷۱۹).

او از موثق‌ترین شاگردان ابن عباس بوده است که بزرگان و ارباب حدیث و تفسیر بر او اعتماد کرده‌اند. میان مورخان و شرح حال‌نویسان اتفاق کلمه است که وی عرب نیست ولی مولای او را به اختلاف یاد کرده‌اند. جمعی او را غلام قیس بن سایب بن عویمر مخزومی می‌خوانند و بعضی او را غلام عبدالله بن سایب بن ابی سایب می‌شمارند نیز گویند: او غلام سایب بن ابی سایب پدر عبدالله بن سایب است. کوتاه قد بود و موی سر و ریش سپید داشت و خضاب کردن با رنگ سیاه برایش ناخوشایند بود. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۵، ۴۶۶).

در تفسیر وی نشانه‌های بسیاری بر تفکر اشراقی و گرایش به عقل می‌توان یافت که هنگام شناساندن تفسیر او نمونه‌های از آن را یاد خواهیم کرد. سال‌ها از محضر ابن عباس کسب فیض کرد، از خواص اصحاب و نزدیکان وی گشت و آوازه بلند یافت و از مفسران بزرگ و مشهور تابعی گشت.

ابونعیم اصبهانی متوفی (۴۳۰ هـ. ق) در حلیه اولیاء و ابن عساکر در تاریخ دمشق و دیگران می‌نویسند: مجاهد سی بار تفسیر خویش را بر ابن عباس عرضه کرد. تفسیر آیات قرآن کریم را یک یک سؤال می‌کرد، بر روی هر آیه مکث می‌کرد و می‌پرسید در باره چه کسی و چگونه نازل شده است و می‌افزاید: «افقه علی کل آیه أسأله فیم نزلت و کیف کانت» (اصبهانی، ۱۴۰۷، ۲۸۰).

در کسب دانش بسیار کوشا بود. مرد متواضع و متفکر و دارای اخلاق حمیده بود و همیشه در افکار خود فرو رفته بود. ذهبی در تذکرة الحفاظ از پی ستایش وی او را از عوایع العلم نامیده است. مانند کسی بود که چیزی را گم کرده باشد. انگار بنده‌ای بود که اشتر خود گم کرده است و در

جست‌وجوی آن است. هنگام که سخن می‌گفت از دهان او گوهر می‌بارید (ذهبی، بی تا، ۱، ۹۲).

۵-۲. استادان و شاگردان امام مجاهد بن جبیر

امام مجاهد علاقه بسیاری به سیاحت داشت و در بلاد اسلامی به طواف می‌پرداخت و در اکثر شهرها با عالمان هم‌نشینی و مباحثه داشت و فاضلان از محضرش بهره‌مند می‌گشتند. در مباحث علمی و قصص گذشتگان سخت کنج‌کاو بود.

وی علوم و فنون تفسیر و تأویل را از مولای خود امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (کرم الله وجهه) و ابن عباس اخذ کرد. ابن حجر عسقلانی متوفی (۸۵۲ هـ.ق) در تهذیب التهذیب و یاقوت حموی متوفی (۶۲۶ هـ.ق) در معجم الادباء افزون بر امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و عبدالله ابن عباس^(رض) جمع بسیار از مشایخ او را مانند عبدالله ابن عباس، ابی هریره، عایشه صدیقه، سعد ابن ابی وقاص، عبدالله بن عمرو، عبدالله بن عمر، رافع ابن خدیج، جابر بن عبدالله انصاری، ام کرز، جابر بن عبدالله، ابی سعید خدری، ام سلمه، ام هانی دختران ابوطالب، اسد بن ظهیر و ابوریحانه^(رض) یاد کرده است (قمی، ۱۳۸۷، ۲، ۳۵۷).

امام مجاهد همان‌طوری که خود شیفته درس و بحث بود، نسبت به آموزش شاگردان خویش، توجه ویژه داشت. وی همیشه آنان را به فهم تشویق می‌نمود. امام مجاهد کرسی تدریس علوم قرآن کریم را در مسجد کوفه جای داد و در آن جا مشغول تدریس و ارشاد گردید. شاگردان او جماعت کثیری بوده‌اند؛ مانند ابن کثیر الداری، ابو عمرو بن العلاء، ابن محسن، عکرمه، طاووس و عطاء که ایشان از اقران او نیز است. امام ابن حجر عسقلانی «در تهذیب التهذیب» و امام ذهبی در «سیر اعلام النبلاء» بیش از سی نفر شاگردان او را نام برده است.

۵-۳. تفسیر امام مجاهد بن جبیر

در این گفتار به معرفی تفسیر امام مجاهد بن جبیر می‌پردازیم:

۵-۳-۱. معرفی تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (۲۱-۱۰۴ یا ۱۰۵ ق.). فرزند جبیر مکی مخزومی از بزرگان مفسران تابعی و عالم علوم قرآن است. این تفسیر هر چند شامل بیشتر سوره‌های قرآن می‌باشد اما تنها بعضی از آیات را تفسیر کرده و آن هم زیاد نیست، هر چند که نسبت به تفسیر اصحاب از همه بیشتر می‌باشد و این هم در نتیجه دور افتادن از عصر تنزیل است؛ زیرا هر چه

بیشتر از عصر تنزیل دور شویم بیشتر به تفسیر آیات نیازمند می‌شویم. بیشتر آنچه در آن تفسیر دیده می‌شود معانی کلمات است و آن هم به این معنی است که آنان تفسیر آیات واضح و روشن را تفسیر نمی‌کردند و به بحث در مورد آیاتی که به آن نیازمند بوده‌اند تلاش و کوشش کرده‌اند و تنها به معنی بعضی از کلمات که در فهم آیات مؤثر بود اکتفا می‌کردند. در تفسیر و توضیح معنی بعضی از آیات سخن از اسباب نزول را می‌یابیم، بعضی مواقع اشاره به نسخ را در آن مشاهده می‌کنیم. در بعضی اوقات اختلافی میان مجاهد و استادش ابن عباس و یا میان مجاهد و بقیة تابعین مشاهده می‌کنیم. این تفسیر بعضی اوقات به بعضی از احکام فقهی می‌پردازد. اسرائیلیات در آن تفسیر واضح و روشن است و بیشتر آن اسرائیلیات را به موسی و سلیمان بر می‌گردانند. (سالموس، ۱۳۹۲، ۹۸).

۵-۴. روش تفسیری امام مجاهد

امام مجاهد بن جبیر در تفسیر آیات قرآن کریم از روش‌های چهارگانه؛ تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، تفسیر عقلی و تفسیر ادبی استفاده نموده است که در این گفتار به بحث و بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۵-۴-۱. تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به قرآن همانگونه که از اسمش هویدا است، به کمک و یا به سبب یک آیه، آیه دیگری تفسیر می‌شود. ریشه این روش به زمان رسول خدا بلکه به خود رسول خدا^(ص) برمی‌گردد. به‌طور مثال، از پیامبر^(ص) در مورد مقصود از ظلم در آیه «لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (انعام، ۸۲) پرسش شد و با استناد به آیه: «إِنَّ الشَّرَّكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳) پاسخ فرمودند که مقصود از ظلم در آیه اول همان شرک است که در آیه دوم بیان شده است. بنابراین، ایشان نیز قرآن را به کمک قرآن تفسیر کرده‌اند.

امام مجاهد نیز در تفسیر خویش آیه‌های ذیل را به واسطه آیه دیگری چنین تفسیر کرده است: مثال: هنگام تفسیر آیه ۱۳ سوره مبارکه عنکبوت: «وَلْيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَنْتَ لَا مَعِ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ»، «آنان بارهای سنگین خود را بر دوش می‌کنند و بارهای سنگین دیگری را افزون بر بارهای سنگین خودشان و در روز قیامت از ایشان درباره افتراها و دروغهائی که بهم می‌بافند پرسیده می‌شود».

به آیه ۲۵ سوره مبارکه نحل تفسیر می‌کند و می‌نویسد: کفوله: «لِيُحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ»، «آنان باید که در روز قیامت بار گناهان خود را به تمام و کمال بر دوش کشند و هم برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون آگهی گمراه ساخته‌اند. هان چه بار گناهان بدی را بر دوش می‌کشند!».

در اینجا امام مجاهد کلمه «اثقال» را به «اوزار» تفسیر کرده است (مجاهد، بی‌تا، ۲، ۲۹۴). در تفسیر آیه ۳۲ سوره المائد: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائد، ۳۲). به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسان‌ها را کشته است. امام مجاهد این آیه را به آیه ۹۳ سوره مبارکه النساء تفسیر می‌کند: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء ۹۳)؛ و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیه می‌بیند (الکتنانی، بی‌تا، ۷).

در مورد آیه «۵۹» سوره مبارکه الانعام: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»؛ گنجینه‌های غیب و کلید آن‌ها در دست خدا است و کسی جز او از آن‌ها آگاه نیست. این آیه مبارکه را به آیه ۳۴ سوره مبارکه لقمان تفسیر نموده است: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَآذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَىْ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ آگاهی از فرارسیدن قیامت و ویژه خدا است و او است که باران را می‌باراند و مطلع است از آنچه در رحم‌های (مادران) است و هیچ کسی نمی‌داند فردا چه چیز فراچنگ می‌آورد و هیچ کسی نمی‌داند که در کدام سرزمینی می‌میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر (از موارد مذکور) است. در آیات فوق امام مجاهد کلمه مفاتیح الغیب را به مغیبات خمسه شرح نموده است (کتنانی، بی‌تا، ۵).

۴-۲-۵. تفسیر قرآن به سنت و ذکر مصادیق

امام مجاهد در تفسیر آیات با استناد به گفتارهای اصحاب کرام و اهل بیت و استادش ابن عباس، به شیوه موافق با عقل به تفسیر و تأویل می‌پردازد که در ذیل به نمونه‌ای تفسیر قرآن به سنت می‌پردازیم: امام مجاهد در مورد آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ» (بقره ۶۲)؛ هر آینه آنانکه مسلمان شدند و آنانکه یهود شدند و ترسایان و بی‌دینان هرکه از ایشان ایمان آورد».

درباره این که «صابان» چه کسانی هستند اختلاف است، سفیان ثوری از لیث بن ابوسلیم از امام مجاهد روایت می‌کند که صابانان گروهی در بین مجوسیان، یهودیان و نصاری هستند و دین خاصی ندارند و ابن ابونجیح همین قول را از مجاهد نقل کرده است و از عطا و سعید بن جبیر نیز شبیه همین قول را روایت کرده‌اند و گفته‌اند: دسته‌ای از اهل کتاب هستند که زیور را می‌خواندند. و گفته‌اند: گروهی هستند که ملانکه را می‌پرستند و گفته‌اند: گروهی هستند که ستارگان را می‌پرستند. ابن کثیر گوید: قوی‌ترین قول در این باره قول مجاهد و موافقان وی و وهب بن منبه است که می‌گویند: صابانان گروهی هستند که نه بر دین نصاری و نه از مجوسیان و مشرکان، بلکه گروهی‌اند که بر فطرت خویش هستند و پایبند به دین مشخصی نیستند (ابن کثیر، بی‌تا، ۱، ۲۴۱).

۴-۳. تفسیر عقلی و ذکر مصادیق آن

امام مجاهد نخستین کسی از تابعین و بنیان‌گذار مکتب نوینی در تفسیر قرآن کریم است. مکتبی که به کلی با تفسیرنویسان قرن اول هجری تفاوت دارد. همواره آشکارا باب اجتهاد و اعتماد و اتکای بسیار به عقل در فهم مراد شارع و استنباط معنی و تفسیر آیه را باز می‌گذارد و شیوه احیای تفکر و انطباق آن با مبانی عقلی در بیان مقصود خویش در تفسیر و تأویل آیه را پاس می‌دارد (صالحی، ۱۳۸۱، ۳۹).

مجاهد انسان آزاداندیش بود. او پس از احاطه به مفاهیم کلمات به سبب هدایت‌های استادان خویش و وضع لغوی کلمات و واژه‌ها و فهم عرفی شایع در آن زمان، بر اساس آنچه از ظاهر لفظ قرآن برایش هویدا می‌گردید و عقل رشید و فطرت سلیم نیز به همان رهنمون می‌ساخت، قرآن را تفسیر می‌کرد. افزون بر این، مبانی شریعت و پایه‌های استوار دین را نیز از پیش آموخته و به کلمات عالمان برجسته امت و اصحاب برگزیده و پیشگام نیز مراجعه می‌کرد و به مدد تمام این‌ها به تفسیر قرآن می‌پرداخت.

او در تفسیر قرآن از دید گاه عقل، کاملاً آزاد و بازاندیش بود؛ لذا متهم شده که قرآن را به رأی خود تفسیر کرده است. فرزندش عبدالوهاب می‌گوید: «مردی به پدرم گفت: تو همان کسی هستی که قرآن را تفسیر به رأی می‌کنی؟ پدرم گریست و سپس گفت: یعنی من در مقام تفسیر گستاخم؟ با آنکه تفسیر را از تعدادی از صحابه پیامبر برگرفته‌ام. مجاهد می‌گفت: «افضل العبادۃ الرأی الحسن» (قتیبه، بی‌تا، ۶۹).

تالیفات هر عصر منعکس‌کننده جنبش فکری و بازگوکننده مقدار شکوه علمی زمان خودش است. استاد عبدالرحمن طاهر السورتی که در تفسیر مجاهد تحقیق بسیار دقیق کرده، در مقدمه خود بر تفسیر مجاهد می‌نویسد: «فمجاهد فی آثاره التفسیریة سواء كانت مرویة و مسموعة او لغویة و معقولة یختارها برأیه و عقله اذ لیس کل ما یسمعه یرویه بل نری مجاهداً اکثر التابعین اعمالاً لرأیه» (مجاهد، بی‌تا، ۱، ۳۴).

مجاهد هنگام تفسیر بعضی از آیات یک یا چند تفسیر عقلی برای یک آیه یاد می‌کند. مانند تفسیر آیه ۴۱ سوره مبارکه رعد: «أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا» که در تفسیر آن می‌گوید: «موت اهلها و خرابیها فی الانفس و فی الثمرات و فی خراب الارض و موت العلماء» (مجاهد، بی‌تا، ۱، ۳۳۰).

در مورد آیه: «وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (بقره، ۵۶)؛ شما بی‌گمان دانسته‌اید آنان را که از شما در روز شنبه تجاوز کردند. پس بدیشان گفتیم: به بوزینگان رانده شده تبدیل شوید». امام مجاهد آیه را چنین تفسیر می‌کند: «مسخت قلوبهم و لم یسمخو قردة» (مجاهد، بی‌تا، ۱، ۸۷). مجاهد بر این عقیده است که آن انسان‌های گناهکار به بوزینگان مسخ نگشتند بلکه دل‌های آنان مسخ شده و خود آن‌ها همچنان انسان باقی ماندند. در تفسیر آیه «وَلَهُمْ فِيهَا اَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ» (بقره، ۲۵) می‌فرماید: «طَهَّرَ مِنَ الْحَيْضِ وَالْغَائِطِ، وَالْبَوْلِ وَالْبَزَاقِ، وَالنَّخَامَةِ وَالْمَنَى وَالْوَلَدَ». هویداست که مجاهد این تفسیر را از دید عقل تفسیر کرده است؛ زیرا در مورد طهارت زنان بهشت مانند گفته مجاهد دلیلی به دست ما نرسیده است.

۴-۴-۵. تفسیر ادبی و ذکر مصادیق آن

امام مجاهد در فنون ادب و در تفسیر ابتکاری عجیب از خود نشان داده است، یکی از کارهای مهم او پژوهش‌های ادبی در فرهنگ قرآن کریم است. او در فنون ادب و لغت و فصاحت و بلاغت روش نوینی را بنیاد گذارده است و مباحثی منحصر به فرد از خود باقی گذاشته است. ایشان اهمیت بسیار به مباحث ادبی و لغوی می‌دهد و می‌گوید: «فمن لم یکن عالماً بلغات العرب لا یحل له التفسیر» (الوسی ۱۴۱۵، ۱، ۵).

ذوق و سلیقه بی‌نظیری در باب توجیه ادبی آیات و تفسیر دشوارترین معضلات و کلمات غریب و الفاظ غامض نشان داده است که تبحر او را در فنون ادب و لغت می‌رساند. گفتارهای ادبی وی

را در هیچ یک از تفسیرها نمی‌توان یافت. بزرگ‌ترین نوگرایی در ادبیات قرآن مجید را او پایه‌گذاری کرده به گونه‌ای که هر خواننده‌ای را سخت تحت تأثیر ابتکار و سلیقه خود می‌گذارد. مکتب نوینی به شیفتگان تفسیر ادبی قرآن کریم تقدیم داشته است که قدرت ادبی و ژرف‌کاوی او را در لغت و آشنایی با کلام عرب و سبک زبان و اصطلاحات عربی، می‌رساند.

استاد عبدالرحمن سورتی در این مورد می‌نویسد: «ان معظم تفسیر مجاهد یشتمل علی شرح العبارات العویضة او غیر المألوفة و فی کثیر من آثاره التفسیریة یتجلی لنا مجاهد کأنه لغوی خیر قادر علی کلام العرب و لغتهم عارف بأسالیب بیانهم و تصریف لسانهم و اصطلاحاتهم؛ و من الصواب ان یقال: ان مجاهداً کان من روا اللغویین العرب و تفسیره اول معجم شرح فیه کلمات القرآن غریبه و مشکله علی طراز کتب اللغة (المعاجم) آلتی لم تکن مؤلفة فی عهده حسب ترتیب حروف الهجاء» (مجاهد، بی تا، ۱، ۲۷).

در تفسیر گفته الله متعال: «فی بیوت اذن الله ان ترفع» دو قول است: نخست تعظیم این بیوت. دوم: مجاهد بر این عقیده است: «ای تنبی» طبری قول مجاهد را ترجیح داده و به آیه ۱۲۷ سوره بقره استشهاد کرده است: «واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت» می‌نویسد: در اغلب موارد «الرفع فی البیوت» به معنای بناست چنان که مجاهد یاد کرده است (مجاهد، ۱، ۲۸).

هنگام تفسیر آیه ۲۹ سوره مبارکه حج: «بیت العتیق» مجاهد می‌نویسد: «اعتقه الله غزوجل ان یدعیه من الجبابة ان یدعیه احد منهم»

در تفسیر آیه ۳۰ سوره مبارکه حج: «ومن یعظم حرمان الله» تفسیر می‌کند: «الحرمة مکه و الحج و العمرة و مانهی الله عنه من معاصیه».

در تفسیر آیه ۱۹۵ سوره مبارکه بقره: «ولا تلحقوا بادیکم الی التهلكة» می‌نویسد: ترک النفقة فی سبیل الله لا منعکم النفقة فی خيفة العلیة».

این تفسیر بر چهار قاعده اصلی یاد شده پایه‌گذاری شده است. مفسر توجه خاصی به شرح الفاظ مشکل و تفسیر عبارات و تعبیر غریب قرآن کریم داشته است. گاهی به اسباب نزول و قصه‌های متعلق به آیات که سبب نزول آن شده می‌پردازد و به ندرت به ناسخ و منسوخ روی می‌آورد. هنگام تفسیر به شیوه گفتار و حرکات و اصطلاحات عرب می‌پردازد (صالحی ۱۳۸۱).

۶. اشتراکات و مفترقات روش تفسیری سعید بن جبیر و مجاهد بن جبیر

دانش تفسیر در میان علوم اسلامی به مثابه ارجمندترین دانش‌ها است که با گرامی‌ترین منبع دینی یعنی آیات قرآن پیوند می‌خورد. مقایسه تطبیقی تفسیرها یکی از محورهای مهم در پژوهش‌های قرآنی به شمار آمده و از دستاورد مهم آن گشودن راهی در مسیر فهم صحیح تفسیر قرآن است. دو تفسیر سعید بن جبیر و مجاهد بن جبیر از زمره اولین تفاسیر مدون به‌شمار می‌رود که مفسران آن‌ها تبحر و تسلطی کم‌نظیر در علم تفسیر دارند:

۶-۱. مشترکات دو تفسیر

مقایسه تطبیقی بین اندیشه‌های متفکران در هر علمی یکی از عوامل فتح دریچه‌های علم به روی آیندگان است و علم تفسیر نیز از این قاعده مستثنی نیست. از رهگذر این تطبیق‌ها، منشأ اصلی یک اندیشه و یا اثرپذیری یک مفسر از مفسر دیگر و همچنین تحول موضوع‌های تفسیری آشکار می‌شود؛ لذا مناسب است که مشترکات و مفترقات این دو مفسر بزرگ مورد توجه قرار گیرد.

امام سعید و مجاهد در روش‌های تفسیری مشترکاتی دارند که یکی از آن‌ها تفسیر قرآن به واسطه آیه دیگر از قرآن کریم می‌باشد. در موارد بسار سعید و امام مجاهد از این روش استفاده کرده‌اند و برای تفسیری آیه از قرآن آیه دیگر را مصداق ذکر کرده‌اند و یا به حدیث پیامبر اکرم استناد نموده‌اند. همچنین هر دو مفسر در روش عقلی دست بالا داشتند و در بسا موارد به تفسیر ادبی کلمات قرآنی پرداخته‌اند. ناگفته نباید گذاشت که در اسباب نزول و دیگر علوم قرآنی نیز مشترکاتی داشته‌اند.

۶-۲. مفترقات دو تفسیر

در بررسی روش تفسیر این دو مفسر می‌توان مفترقاتی را هم دریافت که به صورت اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

۶-۲-۱. مفترقات تفسیری دو مفسر، با محوریت بیان مراد کلمه

سعید و مجاهد در مورد مراد بعضی از کلمات نظریات متفاوت دارند؛ از جمله در مورد کلمه: «قسطاس» فریابی از مجاهد آورده که گفت: قسطاس به زبان رومی عدالت است و ابن ابی حاتم از سعید بن جبیر آورده که گفت: قسطاس به زبان رومی ترازو است (سیوطی، ۱۳۹۲، ۲، ۴۸). در مورد کلمه: «طور» فریابی از مجاهد آورده که گفت: طور به زبان سریانی کوه است و ابن

ابی حاتم از سعید آورده که نبطی است (سیوطی، ۱۳۹۲، ۲، ۴۷).

در مورد کلمه: «الجبیت» ابن ابی حاتم از ابن عباس آورده که گفت: جبیت به زبان حبشی شیطان را گویند و از ابن حمید از عکرمه و مجاهد آورده که گفت: جبیت به زبان حبشه شیطان است و ابن جریر از سعید بن جبیر آورده که گفت: جبیت به زبان حبشه ساحر است (سیوطی، ۱۳۹۲، ۲، ۴).

۶-۲-۲. مفترقات تفسیری دو مفسر، با محوریت ذکر مصداق

در بعضی موارد سعید و امام مجاهد در ذکر مصداق برای آیات نیز متفرقات دارند به طور مثال: از سعید بن جبیر در مورد آیه: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» (بقره، ۲۵۶). از امام مجاهد نقل شده که «عروه» در اینجا وسیله نجات است و سعید بن جبیر و ضحاک می گویند: «عروه الوثقی؛ کلمه طیبه لا اله الا الله است» (مخلص، ۱۳۹۰، ۱، ۳۱۶).

نتیجه گیری

در این نوشتار ابعاد گوناگونی را که سعید بن جبیر و مجاهد بن جبیر در تفسیر آیات به آن‌ها توجه داشته‌اند بررسی گردید و این نتایج حاصل شد که:

۱. سعید بن جبیر علاوه بر علم تفسیر به مساله قرائت‌ها، علوم قرآن چون ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه، لغت، روایات اصحاب، اسباب نزول و بیان مصادیق توجه داشته است.
۲. امام مجاهد علاوه بر تخصص در علوم تفسیر، روش نوینی در تفسیر قرآن گذاشت و روش تفسیر عقلی را بنیان‌گذاری نموده است، ایشان افزون بر علوم لغت به تفسیر ادبی قرآن نیز توجه و تبحر داشت.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۲. ابن اثیر، بی‌تا، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۳. ابن تیمیه، احمد عبدالحلیم، ۱۴۰۴، الإکلیل فی المتشابه والتأویل باختصار، بیروت: دارالکتب العلمیه، طبع ثانی.
۴. ابن سعد، محمد، ۱۳۷۴، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۵. ابن قتیبه، بی‌تا، تأویل مختلف الحدیث، بیروت: مکتبه العلمیه.
۶. ابوالحجاج، بی‌تا، مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، بیروت: المنشورات العلمیه.
۷. اصبهانی، ابی نعیم احمد بن عبدالله، بی‌تا، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت: دارالکتب العربی.
۸. ذهبی، شمس الدین محمد، بی‌تا، تذکره الحفاظ، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. ذهبی، شمس الدین محمد، ۱۹۵۷، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرساله.
۱۰. رضایی، محمدعلی اصفهانی، ۱۳۸۸، منطق تفسیر قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
۱۱. سالوس، دکتر علی، ۱۳۹۲، پژوهش پیرامون اصول و فروع شیعه دوازده امامیه، کتابخانه عقیده.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، ۲۰۰۹، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، دارالفکر، طبع ثانی.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، ۱۳۹۲، الإیقان فی علوم القرآن، مترجم، سید مهدی، قزوینی، تهران: انتشارات دارالاسلام، چاپ دوم.
۱۴. شهیدی، حسین صالحی، ۱۳۸۱، تفسیر و تفاسیر شیعه، ایران: قزوین: چاپ اول.

۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، : دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه قم.
۱۶. طبرسی، امین الاسلام، ۱۴۰۶، مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۷۸، تفسیر القمی، نجف اشرف.
۱۹. حجّتی، سید محمد باقر، ۱۳۶۰، سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، ایران: بنیاد قرآن.
۲۰. محمد حمزة الشریف الکتانی، بی تا، منهج الامام مجاهد بن جبیر فی التفسیر.
۲۱. شریعت، سنگلجی، ۱۳۹۴، کلید فهم قرآن، کابل: انتشارات تمدن شرق، چاپ اول.
۲۲. عبدالرؤف، مخلص، ۱۳۹۰، تفسیر انوار القرآن، هرات: انتشارات خواجه عبدالله انصار، چاپ دوم.
۲۳. محمد علی رضائی، اصهانی، ۱۳۹۱، روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، قم: دارالکتب اسلامیة، چاپ دوم.
۲۴. معرفت، محمد هادی، ۱۳۹۱، تفسیر و مفسران، مشهد: جامعه رضوی، چاپ دوم.
۲۵. نعمانی، شبلی و دیگران، بی تا، فروغ جاویدان، مترجم عبدالمجید مرادزهی، تهران: انتشارات منیر، چاپ سوم.
۲۶. کنعان، شیخ احمد بن محمد، بی تا، سیمای روز رستاخیز، کابل: انتشارات دارالاسلام، چاپ اول.
۲۷. صدر، حسن، ۱۳۸۲، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلامیه، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.